

نگرشی بر چگونگی تعلیم و اکتساب علم از دیدگاه امام علی (ع) و شیوه های عملی آن

نویسنده: دکتر کریم اله حاجیان^۱

همانگونه که در اولین شماره مجله در سال ۷۹ که با درایت مقام معظم رهبری به سال حضرت امام علی (ع) نامگذاری گردیده است ذکر گردیده به مناسبت این نامگذاری تصمیم گرفته شد اولین مقاله هر شماره در طول سال به این مناسبت اختصاص یابد. در سه شماره قبل نیز به همین منوال عمل شد و هم اکنون که آخرین شماره مجله سال پر خیر و برکت حضرت امام علی (ع) را در پیش رو دارید مبحث نگرشی بر چگونگی تعلیم و اکتساب علم از دیدگاه آن امام همام و شیوه های عملی آن از نظر تان می گذرد.

تجزیه و تحلیل و ابتکار گردد. شیوه آموزش بر اساس علم مسموع از دیدگاه امام علی (ع) مذموم گردیده است. در عمل چنین نگرش و تفکری، در متدلوژیهای جدید آموزشی مورد تحسین قرار گرفته است. حال سؤال آن است که راه ها و شیوه های عملی برای تحقق علم المطبوع چیست؟ چگونه می توان نظام آموزشی را در جهت تحقق علم مطبوع سوق داد و راه را برای رسیدن آن هموار کرد؟ آنچه مسلم است آموزش بر اساس حل مساله «Base Solving» برای رسیدن به اهداف علم مطبوع با سرعت بیشتر تمهیدات و آمادگی لازم را فراهم میکند (۶، ۵). در این رابطه، آموزشی کلاسیک که آموزش بر مبنای استاد محوری حاکم است و از کلاس درس صرفاً به عنوان سخنرانی استفاده می شود و بدون اینکه دانشجو خود جوش باشد و خودش به دنبال تحقیق برود. لذا در این خصوص آموزش کلاسیک دچار مشکل است. آموزش بر اساس حل مساله در مقایسه با نظام آموزش کلاسیک دز دنیای امروز یک تفکر جدید است، جهت تحقق آن مقاومت و مشکلاتی همراه است.

راهنما و جهت دهنده و سؤال برانگیزنده و دانشجو محور فعالیت و حل مساله است. این دو جهت گیری و نگرش و طرز تلقی آموزشی در فرهنگ غنی اسلامی اشاره و تأکید شده است. به تعبیر امام علی (ع) در نهج البلاغه (۴، ۳):

« العلم علمان علم المطبوع و علم المسموع لا ینفع المسموع اذا لم یکن المطبوع »

یعنی علم بر دو نوع است یکی فرا گرفته (شنیده شده) از خارج و دیگری علم مطبوع یعنی دانشی که از فطرت و سرشت طبیعی انسان نائل شده است، معرفتی که از طریق قوه ابتکار شخصی فرا گرفته میشود. علم اگر مطبوع نباشد، علم مسموع فایده و سودی ندارد. در نقل دیگر امام علی (ع) می فرمایند (۴، ۳):

« العقل عقلان، عقل مطبوع و عقل مسموع »

یعنی عقل بر دو نوع است. عقل مطبوع و مبتنی بر سرشت و طبیعت ذاتی و عقل مسموع (شنیده شده). علم یا عقل هر دو باید از فطرت و طبیعت ذاتی انسان سرچشمه گرفته باشد و موجب پرورش قوه

امروزه شیوه های متعددی در نظام آموزشی دنیا وجود دارد. در یک طیف کلی دو روش در نظام های آموزشی حاکم است (۱). در یکی از این شیوه ها متعلم اساساً فراگیرنده یک سری معلومات است و مغز او به منزله انباری جهت نگهداری و حفظ معلوماتی است که از معلم یا استاد و یا متون مستقیماً کسب نموده است. در این نظام آموزشی متعلم آنچه به او آموخته می شود به خوبی فرا می گیرد ولی قدرت دخل و تصرف و قوه تعقل و پژوهشگری و نوآوری در سیستم را ندارد. از معلومات و محفوظات وسیع که در اختیار او است جهت قابلیت ها و خلاقیتها و ابتکارات نمی تواند استفاده کند. اساساً در این نظام، علم از جوهر ذاتی متعلم کسب نگردیده است و صرفاً از دیگران به ایشان انتقال داده شده است. نظام آموزشی متقابل آن بر اساس حل مساله (Base Solving Problem) است. دانشجو محوری، پرورش قوه ذاتی، تفکر و تجزیه و تحلیل متعلم از اهداف اصلی این نظام است (۲، ۱). لذا در این نظام، متعلم شخصاً و ذاتاً فراگیرنده است و استاد به عنوان

لذا بر تمامی دست اندرکاران و سیاست گذاران امور آموزشی در دانشگاه های کشور است که شیوه های عملی را برای نیل به اهداف علم مطبوع تلاش و برنامه ریزی کنند.

نخستین گام برای تحقق علم مطبوع آن است جهت گیری نظام آموزشی را باید به سوی دانشجو محوری سوق داد. در آموزش از طریق کل مساله، دانشجو از طریق ژرف نگری بر مساله آگاهی و تفوق پیدا می کند و با شرکت در بحث گروهی علم را از طریق حل مساله فرا می گیرد. این روش به تاکید مهارتها و پرورش خلاقیت های ذهنی تکیه دارد بجای اینکه به حافظه و بخاطر سپردن تئوریهای علمی تاکید داشته باشد. گام دوم آن است دانشجو را باید با ابراز و

متدلوژی تحقیق مجهز نمود. وقتی که دانشجو روش و متد را آموخت خود میتواند با اتکاء به متدلوژی و شیوه حل مساله خلاقیت و نوآوری را در سیستم ایجاد کند و سرچشمه علم مطبوع گردد و شکافهای علمی را پر کند و حقایق علمی را کشف کند. آنچه که مسلم است به استناد آیات قرآن، اسلام به پرورش عقل و قوه تفکر تاکید فراوان کرده است، راه های عملی برای رسیدن به آن از وظایف بشر است که با برنامه ریزی درست آموزشی در جهت تحقق آن قدم بردارد. اساساً انبار کردن مغز از محفوظات و تئوریهای علمی بیش از اندازه قوه رشد فکری و تجزیه و تحلیل را از متعلم و دانشجو سلب می کند. زیرا وقتی که همه

تلاشهای متعلم در جهت یادگیری علم مسموع است، وقتی و فضایی برای تحقق علم مطبوع باقی نمی ماند. هر گونه اجتهاد علمی تنها از طریق علم مطبوع امکان پذیر است. زیرا اجتهاد علمی بدین مفهوم است که مساله و مشکلی که قبلاً طرح نشده است را محقق بتواند طرح ریزی کند و پاسخ به مساله را از طریق متدلوژی علمی دست یابد و شکاف علمی موجود را پر کند. در فقه هم اجتهاد بدین مفهوم است مساله جدید را مطابق زمان و مکان که در جای دیگر نیامده است و در منابع دیگر مستقیماً درج نشده است، بتوان راه حل ارائه داد (۴). در هر دوی آنها محقق و مجتهد باید به قوه تجزیه و تحلیل و دخل و تصرف مجهز باشند.

منابع:

curricula on international sample,
J. Med. Edu., 62:305-315, 1987.

6- Problem Based Learning, *Medical education*, 1989, 23: 479

۳- نهج البلاغه، خطبه ها، نامه ها و سخنان کوتاه امام علی (ع)، فیض الاسلام.

۴- شهید مطهری. مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، ۱۳۶۲.

5-Schmidt H.G., Dauphinec W.D., Patel V.L. Comparing the effect of problem - based and conventional

۱- عزیزی. فریدون، روشهای یادگیری و تحقیق در علوم پزشکی، نشر جوان، ۱۳۶۲.

۲- کوشا، علی، لزوم تغییر نظام آموزش و پژوهش پزشکی و نیازهای آن، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان زنجان، شماره ۱۳، ۱۳۷۵، ۱۳، ۵۳-۵۰.